

کرونا، نشان داد که در ناکجاآبادها به دنبال آبادانی می‌گردیم

شماره پرسش: ۲۶۸۰۰

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۷ ۰۵:۳۷:۳۶

متن پرسش

با سلام خدمت استاد محترم: در این شب‌های ولادت حضرت علی (ع) به نظرم آمد خداوند با این ویروس کرونا بنا داشته است، ما را متوجه غرورها و منیت‌های خودمان کند.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حرف درستی است. ولی امیدوار باشید کشور عزیز ایران اسلامی به الهام الهی، راه مقابله با آن ویروس را به جهان ارائه دهد و از آن مهم‌تر بصیرتی برای ما باشد. عزیزی نکاتی فرموده بود و بنده نیز عرایض مختصری در استقبال از سخن او داشتم که ذیلاً تقدیم می‌کنم. موفق باشید

[Forwarded from مجید افق‌ری]

آیا خطر کرونا برای همه طیف‌های جامعه ما یکسان است.

اول باید این نکته را ذکر کنم این نوشته به معنای نادیده گرفتن و کم‌اهمیت جلوه دادن این ویروس نیست بلکه شاید این ویروس پرده از برخی توهمات ذهنی ما برداشته.

چرا عده‌ای این قدر احساس خفگی و ترس می‌کنند؟ چرا قبل از مرگ می‌میریم و جز سیاهی جلوی چشم خود هیچ چیزی نمی‌بینیم.

همه‌ی ما خیالات و توهمات در پس ذهن داریم و شاید سالها با آن زندگی می‌کنیم و به آن پرو بال می‌دهیم و مثل خود انسان که از کودکی به نوجوانی و جوانی می‌رسد. این تخیلات هم با آدم رشد می‌کند و قد می‌کشد. البته به این معنا نیست که داشتن چنین خیالاتی حتماً بد است نه اصلاً اگر آدم دارای قوه خیال نباشد اصلاً عزم و حرکتی در کار نیست.

اما بعضی خیالات بنیادشان بر آب است و عمری را بر باد می‌دهند.

یکی از این خیالاتی که ما یا خود آن را داشته‌ایم یا از دوستان‌مان آن را بارها شنیده‌ایم این است که می‌خواهم بروم خارج یا در آینده می‌روم خارج، اما در این که خارج کیست، چیست، کجاست خیلی بحثی نداشته‌ایم.

همه ی ما در لابلای اخبار و اطلاعاتی که دنبال کرده یا شنیده ایم کم و بیش به مفهوم مهاجرت آگاهی اجمالی پیدا کرده ایم.

سالانه هزاران خانواده ایرانی با مراجعه به سفارتخانه کشورهای که از نظرشان آنجا از نظر سطح زندگی بهتر از کشور خودشان است بار سفر می بندند و از ایران می روند. «اگر آمریکا و اروپا شد که چه بهتر اگر نشد همین گرجستان و ارمنستان هم غنیمتی است.»

قطعا دلایلی که باعث می شود فرد دست به مهاجرت بزند حداقل برای خود فرد موجه است می خواهد دلیل آن اقتصادی، سیاسی و یا حتی فرهنگی باشد. اما هرچه که هست در اکثر این دلایل یک وجه اشتراکی وجود دارد و آن این است که خارج بهتر از این جاست. در این که در برخی شاخصه ها وضعیت زندگی در برخی کشورهای به اصطلاح پیشرفته بهتر از ماست خیلی بحثی ندارم حتی اگر کسی بگوید در همه ی شاخصه ها آنها بهتر از ما هستند من باز مناقشه ای ندارم چون موضوع بحثم این نیست.

آنچه که من روی آن مساله دارم این رویا پردازی و خیال پردازی ماست این مطلق انگاری، این که آنجا جایی است که اگر برویم دیگر مشکلاتی نیست و می توانیم بهترین خانه و اتومبیل و درآمد را داشته باشیم و در صحت و سلامت بتوانیم در این بهشت دنیایی سالها خوش باشیم و در آرامش زندگی کنیم.

این آرزوها فقط مخصوص کسانی نیست که موفق به مهاجرت می شوند بلکه به قول معروف اینها مثنی است نمونه خروار. کسانی که موفق به مهاجرت نشده اند و چنین آرزویی در دل دارند بسیار بیشتراند و شاید جامعه هدف و افرادی که می خواهیم در مورد آنها بنویسیم همین هستند.

آری افرادی که در داخل زندگی می کنند و چنین رویاها و اوهامی در سر می پروراند وجود این ویروس برای آنها کشنده تر است.

به خاطر این که این ویروس همه جایی است و جهانی است و اوهام و رویاها به واسطه ی آن فروریخته و دیگر آن جایی وجود ندارد و همه جا این جاست دیگر آن جایی که گوشه ی ذهن پر خیالش پرورانده بود که برود و خوش باشد و عیش کند دیگر وجود ندارد دیگر آن جا در ذهنش وجود ندارد با این که شاید پایش را از شهر خودش هم بیرون نگذاشته است اما عمری با این خیال زندگی کرده و حالا با پوچ بودن وهمی بودن بخشی از خودش روبرو شده.

آری عزیز جان کرونا می تواند تذکری به من و تو باشد که چقدر در گیر اوهام هستیم و چقدر در وادی حقیقت سیر می کنیم.

ما همگی اوهام زیادی در ذهن و جان خود پرورانده ایم و روزی چیزی مثل همین ویروس باعث می شود که ما با خود دوباره روبرو شویم و خالی بودن وجود خود را دوباره بنگریم و یاس و وحشت در ما غلبه می کند.

اگر امروز سراب ها را آب بنگریم اگر موجودات را وجود بنگریم اگر اعتباریات را اصیل بینداریم چنین سختی هایی از این پس بیشتر با آن روبرو خواهیم شد.

و تنها چیزی که می تواند ما را از این معرکه ی سخت و جان فرسا نجات دهد تفکر است.

تفکر است که نمی گزارد سراب را آب ببینی و وقتی سراب را آب ندیدی خوشحالی و نشاط وهمی هم سراغ تو نمی آید و به همین دلیل یاس بعد از روبرو شدن با واقع هم دیگر نداری.

حوادث و مسائلی این چنین شاید فرصتی است که خود را دوباره ببینیم و خود را دوباره آزاد از بسیاری از نسبت ها حس کنیم نسبت هایی که همچون غل و زنجیر پای ما را گرفته و پر پرواز ما را بی فایده کرده است

[Forwarded from طاهرزاده]

با سلام: انصافاً قضیه از همین قرار است که در ناکجاآبادها به دنبال آبادانی می گردیم، غافل از آن که حقیقت، از همه چیز به ما نزدیک تر است. کافی است راه رجوع به حقیقت را که همان مأواگزیدن در محضر خدا است، آن هم از طریق آنچه به ما عطا فرموده است را بیابیم.